



بسم الله الرحمن الرحيم

فهرست مطالب:

حدیثی از امام صادق (ع).....	۱
غیبت.....	Error! Bookmark not defined.
مفهوم غیبت.....	۲
مقدمه اول.....	Error! Bookmark not defined.
مقدمه دوم.....	Error! Bookmark not defined.
لغت‌شناسی.....	Error! Bookmark not defined.
حجیت قول لغوی:.....	Error! Bookmark not defined.
اقسام اقوال.....	Error! Bookmark not defined.
تفاوت اقسام قول.....	Error! Bookmark not defined.
مقدمه ورود به بحث.....	Error! Bookmark not defined.
شرایط اعتماد به قول حسی.....	Error! Bookmark not defined.
نتیجه‌گیری.....	Error! Bookmark not defined.
معنی حقیقی و استعمالی لغت.....	Error! Bookmark not defined.
بیان نسبی لغویین از لغت.....	Error! Bookmark not defined.
راه‌های شناخت لغت.....	Error! Bookmark not defined.
جمع‌بندی.....	Error! Bookmark not defined.



مفهوم‌شناسی غیبت

مرور گذشته

در این بحث، مقدماتی را بیان کردیم، مشکلات اعتماد به قول لغوی را نیز بیان کردیم. نتیجه این شد که ما بی‌نیاز به قول لغوی نیستیم. بعضی وقت‌ها قول لغوی به همراه ارتکازات فقیه، می‌تواند مشکل‌گشای کار ما بشود. بعضی وقت‌ها ما در مفهوم لغت، دچار شک می‌شویم که قاعده شبهه‌ی مفهومیه را شامل می‌شود.

اقوال لغویین در مورد غیبت

۱. معنای غیبت در قاموس

این مفهوم در قاموس آمده است. «و فی القاموس غابه عابه و ذکره بما فیه من السوء، کاغتابه»^۱. در اینجا می‌گوید غاب و عابه یکی است. عیب‌جویی کردن، یاد کردن بدی از او. در اینجا شرح الاسمی را بیان می‌کند. چیزی که در دید صاحب قاموس مهم بوده است «ذکره بما فیه من السوء» بوده است. قیودی که در اینجا وجود دارد، بدی و وصف ناپسند و بدی که در شخص وجود دارد. در نتیجه ذکر بدی کسی در پشت سر او معنی غیبت در قاموس است.

در ادامه معنا را به این شکل می‌گویند: «و الغیبة فعلة منه تكون حسنة أو قبیحة». غیبت، هیئت حاصله از قول مذکور است. در ادامه می‌گوید: غیبت در امور خوب و بد به کار می‌رود. بعداً نتیجه می‌گیریم که غیبت مشترک لفظی بین عام و خاص است. البته معنای اول، رایج‌تر است. یعنی بیشتر غیبت به معنای بیان وصف سوء از شخصی است البته سوء و بدی که در شخص وجود دارد. نه اینکه کذب باشد.

۲. معنای غیبت در مصباح

این مفهوم در مصباح المنیر آمده است. «اغتابه: إذا ذکره بما یکرهه من العیوب و هو حقّ. و الاسم: الغیبة، فإن کان باطلا فهو الغیبة فی بهت»^۲

در معنی قبل می‌گفتیم وصفی بدی که در شخص وجود دارد. اما در اینجا به دو شکل می‌توان معنی کرد:

۱ قاموس المحيط (فیروزآبادی)، ج ۱، ص ۱۱۲

۲ المصباح المنیر ۲ - ۱ - ۴۵۸.



۱. ذکر عیب شخص که مکروه است و در شخص وجود دارد. در اینجا نیز بیان عیب موجود است. طبعاً نیز پشت سر است. اگر در اینجا «مائیکره» باشد چیز جدیدی ندارد. یعنی چیزی که عرف بد می داند.

۲. اما اگر «مائیکره» باشد، غیر از این وصف عیب وجودی و پشت سر، قید چهارمی نیز دارد. قید چهارم این است که از این عیب جویی، شخص غیبت شده ناراحت می شود.

گاهی حتی اگر پشت کسی خوبی نیز بگویند، شخص ناراحت می شود زیرا سرّ وی فاش شده است. گاهی نیز در بیان عیب شخص، شخص ناراحت نمی شود.

انواع ناراحتی غیبت شونده

نکته دیگری در «یکره» وجود دارد و آن این است که «یکره» از چه چیزی است. در این ناراحتی سه حالت وجود دارد:

الف) گاهی انسان از همان عیب ناراحت می شود. به شکلی بوده که کسی این عیب و گناه را نمی دانسته ولی اکنون با این غیبت فاش شده است. در اینجا انسان، از اصل گناه، ناخشنود است.

ب) گاهی انسان از اصل گناه ناخشنود نیست ولی از اینکه فاش شده است ناراحت می شود.

ج) گاهی انسان کراهت از معصیت ندارد، از فاش شدن گناه نیز ناراحت نیست، ولی فقط گفتن شخص آن را ناراحت می کند.

قول مشهور در این است که معنی «یکره»، احتمال اول نیست. احیاناً یا احتمال دوم یا سوم است. مقصود از «یکره» وجود معصیت نیست بلکه بیان آن است.

منظور از سوء و عیب

در جایی که سوء و عیب آمده است، منظور عرفی است. اما چون می دانیم که در شرع نیز چنین چیزهایی آمده است، شامل شرع نیز می شود.

نکته:

اگر وصف هایی که پشت سر وی گفته است در وی نباشد، حکم غیبت نیست. غیبت گاهی شامل وصفی که در وی نباشد نیز می شود. البته معمولاً غیبت را مقابل تهمت قرار می دهند. ولی از بعضی لغات استفاده می شود که غیبت دو معنا دارد:

۱. معنای عام: شامل وصف موجود و غیر موجود می شود.



۲. معنای خاص: غیبت در مقابل تهمت است.

۳. معنای غیبت در مقایس

«اصل صحیح يدل على تستر الشيء عن العيون، الغيبة الواقعة في الناس من هذا»^۱ اصل چیزی است که مستور از چشم‌ها است. معنای غیبت نیز چیز بدی را به شخص نسبت دادن است. در اینجا نکته‌ی جدیدی نیست. (وقع فيه یعنی عیب‌جویی کرد). البته وقیعه‌ای را می‌گوید که در پشت سر است و از چشمان پنهان است.

۴. معنای غیبت در لسان

«اغتاب الرجل صاحبه اغتاباً: اذا وقع فيه وهو أن يتكلم خلف انسانٍ مستورٍ بسوءٍ أو بما يغمه لو سمعه وإن كان فيه. فإن كان صدقاً فهو غيبة وإن كان كذباً فهو البهت والبهتان»^۲

منظور از این غیبت این است که: کلامی در پشت سر انسانی که حضور ندارد، این کلام ممکن است خوبی یا بدی باشد و به شکلی است که اگر شخص بشنود ناراحت می‌شود. در ادامه می‌گوید اگر این امر در وی وجود داشته باشد، و صحیح باشد غیبت است و اگر کذب باشد و وجود نداشته باشد بهت و بهتان است.

نکاتی در معنای چهارم:

۱. تفاوتی که بین این معنا و معنای دیگر است، این است که در آن‌ها سوء و عیب بود، اما در اینجا امر دیگری نیز آمده است. در اینجا می‌گوید یا بدی بگوید یا اینکه چیزی باشد که شخص اگر بشنود ناراحت می‌شود. اگر ظاهر را بگیریم، این دو باید از هم جدا باشد. یا اینکه بگوییم بد عرفی است. یا اینکه بد عرفی نیست ولی شخص از شنیدن آن ناراحت می‌شود.

۲. در اینجا «إن كان فيه» نشان می‌دهد که اغتاب به معنای وصف موجود است بلکه وصفی که در او نیست نیز اطلاق به اغتاب می‌شود. شاهد این مطلب نیز بیان بعدی تعریف است.

۳. بیان لغت در تاج العروس نیز عیناً چنین است.

۱معجم مقایس اللغة، ص ۷۷۹

۲لسان العرب، ج ۱، ص ۶۵۶



۵. معنی لغت در مجمع البحرین

«و هو أن يتكلم خلف إنسان مستور بما يغمه لو سمعه، فإن كان صدقا سمي غيبَةً وإن كان كذبا سمي بهتاناً، و تصديق ذلك»^۱

در اینجا سوء و عیب را بیان نمی‌کند. این جمله را به دو شکل می‌شود معنا کرد:

۱. غیبت مقابل بهتان است.

۲. غیبت به معنای عام است.

در این کلام قیودی را تصریح کرده است: ۱. پشت سر بودن، ۲. ناراحت شدن از چیزی که می‌شنود

۶. معنی لغت در مفردات

«أن يذكر الإنسان غيره بما فيه من عيب من غير أن أحوج إلى ذكره»^۲

در این معنی نیز نکته‌ی جدیدی وجود ندارد.

نکته

عین یکی از قدیمی‌ترین کتب است که باید ابتدا از آن می‌آوردیم ولی در آن چیزی وجود ندارد. صاحب الغة نیز وجود دارد. اما مطلب آن همانند مجمع البحرین است.

تحلیل از بیانات لغوی

در غیبت تعدادی قید وجود دارد. بعضی از این‌ها مورد اتفاق است و بعضی محل کلام است.

یکی از مواردی که مورد اتفاق است این است که:

۱ مجمع البحرین، ج ۲، ص ۱۳۶

۲ المفردات الفاظ القرآن، ص ۶۱۷



۱. ابراز و اظهار

غیبت در جایی صادق است که بیان وصف دیگری، مبرزی داشته باشد که در این کلمات مبرز کلامی آمده است. در تمام این معانی «ذکره» و «یتکلم» آمده است که نشان‌دهنده مبرز کلامی است.

البته باید بگوییم به جز لسان، اشاره و نوشتن را نیز شامل می‌شود. منظور از مبرز در این معانی، اظهار کردن است. این اظهار کردن گاهی با اشاره، لسان و نوشتن و ... است. در نتیجه قید مبرز بودن است و کلامی نیست.

۲. پشت سر بودن

نکته‌ی بعدی که در تمام بیان‌ها به شکلی استفاده می‌شود، پشت سر بودن این مبرز کلامی و غیرکلامی است. شخص حتماً مستور است. این قید در لسان العرب و معجم البحرین، تصریح شده بود و در بقیه تصریح نشده بود اما از کلمه غیبة مشخص است که غیاب شخص منظور است.

۳. مشتمل بودن بیان عیب

البته در غیبت دو اصطلاح وجود دارد. غیبتی که مورد بحث ما است، قطعاً عیب و نقص شخص در آن وجود دارد. این اصطلاح شامل جایی که خوبی شخص را بیان می‌کند، نیست. البته این امر محل اختلاف است.